

مسجد خدیجه ابیطی چهار سال
 دهی ریاست دفتر مسجدهای شهر
 را بر نداشت. چهار سال نفس گیری
 و تپش و دپ و تغییر رئیس جمهوری
 هر روز و یک بران
 این همه برای خاhtنی است او
 شخصیتی ساخته که به چرت می تابد
 گفت گنجینه امرار رئیس جمهوری
 منتخب ایرانی است. شاید اگر
 خاطراتش دروزی زیر چاپ بود کام
 یوزگی در جهت تپش و تغییر
 باشد این مسرر دهمیشه خندان
 ریاست جمهوری اکنون معشوقه
 پادشاهی ریاست جمهوری را عهددهد
 است. بر خلاف اکثر شخصیت های
 سیاسی کشور میانه خوبی با پرخیزگان
 در و من و در آخرین شبیه سال
 در حال پوی مصاحبه در مقابل و قرار
 گرفته که هیچ سؤال از پیش طراحی
 نشده اند.

آقای ابیطی! به نظر شما
 اصلاح طلبان و به خصوص دولت در
 سال ۸۰ تا چه اندازه موفق شده به
 مطالبات مردمی پاسخ دهد؟
 ببینید سال ۸۰ آغاز نهاده شدن
 اصلاحات و حرکت ملنی بود اگرچه
 ممکن است این نهادهای شدن
 دستاوردهای ملموس نداشته باشد اما
 جریان اصلاح طلبی تلاش کرد و از
 حدودی هم موفق شد که حرکت ملنی
 در جامعه نهادهای شدن و این بالاخر از
 دستاوردهای دیگری است.
شاید بهتر بود من مصاحبه را با این
سؤال آغاز می کردم که شما سال ۸۰
چگونه آغاز کردید و آیا بار نامی امده
این سال آغاز شد یا اینکه

سال ۸۰ را بدلتگویی آغاز بود
 دوم اصلاحات شروع کردم. جناح
 محافظه کار هم بدلتگویی سال را
 شروع کرد و روزهای اول عجب
 بدلتگویی ما بود به طوری که پشت از
 آماده شدن ما برای انتخبات حرکت
 وسیعی برای انصراف آقای خامنی از
 کاندیداتوری شروع شد و فشار بر این
 بود که ایشان کاندید نشوند. پنجم فردین
 بادستگیری آقای شیخ و پیچیده ای حکیم
 وسخت و ویش از آن توقف دوران امرار
 پیام امروز و جامعه ملنی و بین، مخالفان
 آقای خامنی اقدامات شتاب زده خود را
 خیلی دستپاچه آغاز کردند و پس از آن
 دستگیری کوتاه مدت خامنیه حقیقت خود
 بود که او قیض در روز ۱۸ فروردین
 دستگیری وسیع اعضای نهضت آزادی
 بود که در حقیقت یک مجموعه است که
 دستگیری کردند و بعد بررسی کردند که
 ببینند اینها چه کار هستند. فردای آن
 دستگیری ها هم حکم انقباض خدمات
 آقای تاج زاده را دادند. در این چند روز
 فشرده در حقیقت فشارهای ملنی برای
 جریان بود تا آقای خامنی کاندید نشوند.
یعنی شما با زداشت اعضای
نهضت آزادی را در چارچوب انصراف
آقای خامنی از کاندیداتوری تحلیل
می کنید؟

بله، چون با فاصله پس از آن
 دستگیری وسیع بنده چون این قضیه را
 پیگیری می کردم و با مسئولان دیدار
 داشتیم با یکی از مسئولان عالی رتبه دستگاه
 قضائی صحبت کردم ایشان که مسئول
 مستقیم این مساله بود می گفت پس از
 دیدم وقتی اسم فلاں پیرمرد را در لیست
 دیدم تعجب کردم و از دوستان پرسیدم
 که مگر فلائی زنده است؟ من همان جا به
 این مسؤل قضائی گفتم شما که از اول
 انقلاب در تنگنای قضائی و در تاریخ
 انقلاب بودید، فکر می کنید از دستگیری
 آدمی که به زعم شما مرده و حیات ندارد
 چه چیزی تعجب می نماید و این انقلاب و نظام
 می شود. غیر از اینکه کسانی که او را
 نمی شناختند بشناختند و کسانی که
 همچون شما فکر می کردند او حیات ندارد
 بفهمند که حیات دارد. این مسائل
 موضع گیری اول سال دولت را در این
 داشت به طوری که آقای خامنی موضع
 گرفت و ضمن اظهار تأسفک اعلام کرد

که این دستگیری ها مشکلی را حل
 نمی کند و این مسائل همه در زمانی اتفاق
 می افتاد که آقای خامنی به شدت در دوران
 تردید به سر می برد.
جدی بود برخی می گویند یک
تائیک انتخباتی بود که
 من به عنوان فردی که بسیار به ایشان
 نزدیک بودم شهادت می دهم که تردید
 آقای خامنی بسیار جدی بود و برای ما و
 اطرافیان ایشان در ابتدای سال مساله ای
 بسیار حاد بود.
همان موقع عده ای مطرح کردند
که آقای خامنی همواره کارها را نصفه
باقی می گذارد و دوران وزارت ارشاد
ایشان را مثال می آوردند که آقای
خامنی در نیمه راه استفا داد و تردید
ایشان را نیز در این چارچوب ارزیابی
می کردند.

با توجه به وضعیت موجود معتقد
 بودیم آقای خامنی باید کاندید شود اما
 چنین امکانی وجود ندارد.
چطور شد با توجه به آن تردید
جدی، آقای خامنی در انتخبات
ثبت نام کردند؟
 ببینید در آن مقطع زمانی مهمترین
 کار من و اطرافیان آقای خامنی این بود که
 هرچه می توانیم پیش آقای خامنی و
 گروه های مختلف اجتماعی ارتباط
 برقرار کنیم و من به عنوان رئیس دفتر ایشان
 در واقع کار اصلی ام این شده بود که بین
 ایشان و گروه ها و افراد مختلف ارتباط
 بدهم تا پایبند و صحبت کنند. اینها نیز به
 این دلیل که امکان پاسخگویی به مطالبات
 مردمی نیست، تردید جدی نسبت به
 کاندیداتوری داشتند.

یکی مساله ای که همواره در آن
مقطع زمانی عنوان می شد این بود که
آقای خامنی شدیداً تحت تأثیر
اطرافیان خود هستند...
 بله می گفتند که آقای خامنی
 تحت تأثیر اطرافیان خود هستند که
 اطرافیان ایشان خیلی موضع تند و تیزی
 می گیرند و خود آقای خامنی این طور
 نیستند... این در حالی است که هر
 زمانی که قرار بود جدی ترین تصمیم ها
 اتخاذ شود آقای خامنی از همه را دیدگالت
 فکری می کردند. تنها مساله این بود که ما از
 ایشان بخواهیم که کاندید شوند. چون ما
 در بیرون می دیدیم مجموعه جریان های
 مختلف سیاسی - اجتماعی خواهان
 کاندیداتوری آقای خامنی بودند و تمام
 ما هم این بود که هر موقع آقای خامنی به
 مرحله ای می رسید که قصد اعلام
 انصراف از حضور در انتخبات را داشت،
 او را تشویق کنیم.

یعنی تأثیر این مسائل بود که ایشان
پذیرفتند که کاندید باشند؟
 شاید یک ماه آخر ایشان تحت تأثیر
 حرف ها و صحبت های وسیع دوستان
 تسلیم شدند که کاندید شوند. پذیرفتند
 بلکه تسلیم شدند و دور دور حرکت تند
 مخالفان از همان موقع شروع شد و تمام
 ما آنها این بود که آقای خامنی رأی
 کمتری بیاورد و بروز علنی این حرکت
 هم تعداد زیاد کاندیدایان بود به طوری که
 ۸۰۰ کاندید ثبت نام کردند که از این ۸۰۰
 نفر، ده نفر معرفی شدند. نفراتی که با این
 پشتوانه وارد صحنه شدند که هرچه بگویند
 اشکالی ندارد! آمدند و از هیچ شعارهای هم
 گزار کردند شعار گفت و گو با آمریکا
 و افتداری نظامی و تأکید بر مفاسد اقتصادی
 و... به طوری که همگان اذعان داشتند که
 ده کاندیدایی ریاست جمهوری فقط یک
 نفر نظام دفاعی می کرد که آقای خامنی
 بود که با اصول خودش آمده بود و
 خوشبختانه مردم هم بسیار هوشمندانه
 عمل کردند.
یک بحثی که بعد از انتخاب آقای
خامنی مطرح شد این بود که ایشان با
تحریک احساسات مردمی آرای آرای گریه
کسب کردند و به خصوص آن گریه
ایشان در روز ثبت نام که بعدها به الشک
نخل معروف شد یاد می کنند. آقای
خامنی: عده ای آن گریه را یک فیلم و
تائیک انتخباتی ارزیابی می کنند.

از اینکه یک آدم سیاسی باشد شخصیت
فردی دارند و این پیچیدگی های
شخصیتی سیاسی را ندارند.
 ببینید! آقای خامنی همین است که
 هست و مردم این خامنی را دوست دارند

حجت الاسلام ابیطی

۸۰ سال بسپار

نفس گیری بود

طی چند ماهه اخیر تلاش گسترده ای

برای به شکست کشاندن سیاست های

تشنج زدانی رئیس جمهوری در کشور

انجام گرفت

می کرد دروز آزادی او سر رسیده اما به
 یک باره این احساس سلب می شود. خود
 آقای خامنی هم می گفت ما اگر قیال فقط
 می داشتیم. همان خیلی خود امانی
 بعد ۱۰ سال این بحران ها را از نزدیک تجربه
 کرده ایم... آن روز ثبت نام می کلایم
 است هنگام بالا رفتن از پله های وزارت
 کشور وضعیت خیلی عادی بود و آقای
 خامنی هم موضوع سخنرانی خود را
 مرور می کردند اما به یکباره وضع تغییر
 کرد. باید بگویم آقای خامنی نمی توان
 فیلم بازی کند و من فکر می کنم خیلی
 جاهای دیگر بود که اگر ایشان فیلم بازی
 می کردند خیلی به نفع ایشان بود. هر حال اگر
 انتقادی هم هست باید گفت آقای خامنی
 را باید با این ویژگی هایش پذیرفت. شما
 در وزارت کشور بودید؟

بله! من روز ثبت نام ایشان در
وزارت کشور بودم.
 خوب! من فکر می کنم همه کسانی
 که آن روز در وزارت کشور بودند می توانند
 شهادت دهند که آقای خامنی در شرایطی
 نبود که به صورت تصنعی بخواهد گریه
 کند. روز بسیار دشواری بود.
خود آقای خامنی در مورد گریه
آن روز چه می گفتند؟
 همان روز در صحن وزارت کشور
 صحبت کوتاهی رد و بدل کردم. ایشان
 تازه نواسته بودند بر خودشان مسلط
 شوند که با حالت خاصی من می گفتند
 کاش نمی شد. کاش بین این همه آدم
 چنین چیزی نمی شد. اما بعد خودشان
 گفتند که آن شاله خیر است من به هر حال
 نمی خواستم این طور شود. به هر حال
 هرچه خدا بخواهد.

آقای ابیطی! ایرادی که به آقای
خامنی می گردید این است که ایشان بیشتر



و به او رأی داده اند. از نظر تاریخی هم باید
 بگویم افرادی که سیاسی بازی کرده اند...
 مردم مقبول تر و مردمی تر قرار نگرفته اند...
 حالا گذشته از همه این بحث ها با این
 توجه به اینکه به گفته شما آقای خامنی
 تسلیم شدند در انتخبات کاندیدای شوند
 از اینکه آمدند پشیمان نیستند؟
 به احترام آری مردم هرگز نمی دانستند
 پشیمان هستند اما از این پشیمان خیانت
 می کشیم که بر اصرارهایمان ایشان را
 کسب کردیم. چون الان هر اتفاقی
 در بحران های جدید که در جامعه ما وجود
 دارد این نمی شد که به قواعد پذیرفته شده
 جهانی تن نمی دهیم. در همه دنیا احزاب،

بحران های دیگری را در پی داشت.
آقای ابیطی! این مساله را تا نشی
چه می دانید؟ آیا به نظر شما این علت
نیست که در کشور ما هنوز قواعد باید یک
سیاسی رعایت نمی شود؟
 دقیقاً همین طور است. متأسفانه یکی
 در بحران های جدید که در جامعه ما وجود
 دارد این نمی شد که به قواعد پذیرفته شده
 جهانی تن نمی دهیم. در همه دنیا احزاب،
 نیست و نمی شود مشکلات کاینه را از
 پیگیریهای خاص حمایت جدا کند. یک
 مقبولیت واحد بر مجموعه کار حکم
 است که کاینه هم جزئی از آن است.
یعنی کسی؟ این مشکل که به گفته
شما همه بخش های حکومتی دارند
چسب؟
 بقیه در صفحه ۲۸

در این
 حمله تهدیداتی صورت گرفت که
 جلوشادی مردم نیست به انتخاب رئیس
 جمهورشان گرفته شود و ما تا ساعت دو
 نیمه شب در آن جلسه چانه می زدیم که
 خوشحالی مردم برای انتخاب رئیس
 جمهوری است که در چارچوب این
 حکومت انتخاب شد است. باور کنید
 من هنوز سنگینی آن جلسه را یاد نبرده ام
 تا ۳۳۰۰۰ نفر که ما خواست که در این جلسه
 شرکت کنیم و ما تا ساعت دو نیمه شب در
 این جلسه نشسته بودیم. می گفتم
 بچه های که شادی می کنند قصد سونی
 ندارند و بالاخره و رئیس جمهورشان
 انتخاب شد و من هنوز هم وقتی یاد
 می آید احساس سنگینی می کنم. در این
 حقیقت این جلسه سر آغاز دور سوم

سال ۸۰ سال بسيار نفس گيري بود

بقیه از صفحه ۳

من مشکل اصلی را در این می بینم که جمعی برای خواست و اراده مردم اهمیتی قائل نیستند و طبیعتاً رفتارهایی انجام می شود که نتایج مطلوبی ندارد. من جواب سؤال را نگرفتم اما می توان در این مورد تغییر حاکمیت دوگانه را داشت؟

یک سری از مسائل احتیاجی به اثبات کردن ندارد. ببینید در جامعه یک سری واقعیت ها وجود دارد که همه می دانند و نیازی به اثبات آنها نیست و ...

آقای ابطحي: به نظر می رسد دستگاه دیپلماسی ما نمی تواند از فرصت های پیش رو استفاده کند و فرصت ها را به راحتی از دست می دهد به عنوان نمونه بحث آمریکا را می گویم. اسفند سال ۷۸ و پس از آن سخنان آلبرت فریتس جلدی برای ایران در راستای منافع ملی بود اما جو کجترین برهه های تیره دهه ۸۰ پس از گذشت دو سال آن فرصت جدی تبدیل به تهدیدی جدی شده است؟

من دستگاه دیپلماسی را مقصر نمی دانم، به خصوص اینکه دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی در دوران آقای خاتمی تلاش بسیار گسترده ای در راستای شننج زدایی انجام داد. اگر ما امروز در برابر تهدیدات آمریکا قرار داریم مگر قبل از دوم خرداد در این شرایط نبودیم. آقای خاتمی می گفتند یک بار یکی از رهبران بزرگ منطقه نقشه های محل های که قرار بود در ایران توسط آمریکا بمباران شود را به ایشان نشان دهان و گفته بود که اگر دوم خرداد نبود قطعا وضعیت ایران بدتر از وضعیت عراق بود و عدم بهره برداری بهینه از فرصت ها مشکلی نیست که وزارت خارجه پاسخگو می تواند باشد.

پس چه کسی باید پاسخگو باشد؟

ببینید فضای قبل از دوم خرداد را حضور عمومی مردم تغییر داد و اگر امروز دشمن دوباره به ما طمع کرده به این دلیل است که نگذاشته اند دیپلماسی خاتمی به نتیجه برسد. در عین حال من هم معتقدم که بهتر از آن می توانستیم از شرایط استفاده کنیم اما الان هم دیر نشده و با بازار تمام عواملی که موجب بازآوردن آمریکا نسبت به حمله به ایران می شود استفاده کنیم. من قبول دارم که آمریکا تحت تاثیر عوامل ضدصهیونیستی چنین شیوه ای را اتخاذ کرده ولی کشورهایی هم هستند که مبارزات ضدصهیونیستی خوب و قوی ای دارند اما دچار این بحران نشده اند. به اعتقاد من سیاست خارجی

ایران باید تابعی از اراده ملی مردم باشد. وفاق ملی و تن دادن به اراده و خواست اکثریت مردم که یکبار خطرات بسیار جدی را از سر ما رفع کرده باید جدی گرفته شود چون از وقتی این مسأله تضعیف شده یا این تهدیدها مواجه شده ایم.

آقای ابطحي: یک مسأله ای که جالب توجه است به سفرهای خارجی آقای خاتمی برمی گردد همواره در طی سفرهای خارجی ایشان مشاهد بحران هایی در داخل کشور بوده ایم اما در سفر ایشان به اتریش و یونان این گونه نبود یعنی بر خلاف همیشه ما شاهد آرام تر شدن فضای سیاسی جامعه بودیم و ...

وقتی در جامعه تهدید جدی است، هیچ راهی جز وفاق ملی نیست ما پیشنهاد کردیم گسترش آزادی ها و آزاد کردن زندانیان سیاسی که جو جامعه را به وفاق نزدیک می کند، مدنظر قرار گیرد. شخصیت های محترمی همچون آقای نوری در زندان هستند، بعضی از نویسندگان مطبوعات هم در زندان هستند و در شرایط فعلی هر چه در داخل آزادی ها در مسائل سیاسی و اجتماعی پیش می شود به این معناست که ما کمربند را در مقابل آمریکا محکم تر بسته ایم برخی این کارها را به معنی عقب نشینی در داخل تلقی می کنند و آن را نوعی ضعف می دانند اما در مقابل تهدید جدی وفاق ضروری است و این ضعف یا عقب نشینی نیست.

گفته می شود بعضی مقامات پیشنهاد آزادی زندانیان سیاسی و مطبوعات را برای آرام تر شدن فضای جامعه داده اند؟

این نظریه همه دوستان ماست. وزارت اطلاعات بر این مسأله تأکید داشت و کمسیون ملی دولت هم، چنین نظری داشت. به خصوص اینکه طی چند ماهه اخیر تلاش گسترده ای برای به شکست کشاندن سیاست های تشنج زدایی رئیس جمهوری در کشور انجام می گرفت از بحث طالبان و القاعده گرفته تا کشی کاربن-۱ و سفیر انگلیس و ایجاد ترس و وحشت در کشورهای منطقه و همه چیز زمینه را آماده کرده بود تا اینکه بوش آن بحث ها را مطرح کند. اما خوشبختانه در داخل حاکمیت به این مسائل به صورت جدی توجه شد و این توطئه ها خنثی گردید.

شما صحبت از وفاق می کنید اما عده ای نیز به شدت به دنبال اعلام وضعیت فوق العاده هستند؟
اینکه وضعیت فوق العاده به وجود نیامد دلیل بر این است که در بستر حاکمیت منطق عقلانیت در حال

پیدا کردن جایگاه خود است و اصلاحات در حال استقرار است. به نظر من باید دستاوردهای پنهان اصلاحات در این روزهای بحرانی بیشتر ملموس باشد. **آقای ابطحي:** در یک جمله سال ۸۰ چگونه سالی بود؟

بسیار نفس گیر. سال ۸۰ فکر می کنید چگونه سالی برای دولت اصلاحات خواهد بود؟ پیش بینی آن بسیار مشکل است. ما باید تأکید کنیم و اصرار کنیم تا جامعه احساس کند که حرکت اصلاح طلبی به بار نشسته است. البته من اعتقاد دارم که در حوزه اجتماعی به بار نشسته و در مواردی که موانع جدی وجود داشته باشد خود مردم راه را انتخاب کرده و پیش می روند. ... البته جنبش اصلاحات هنوز هم با مسائل جدیدی مواجه است نمونه اش هم تلفیق عید نوروز و ماه محرم است. باید توجه داشت که همه هنجارهای اجتماعی با هنجارهای حکومتی یکی نیست. تلفیق عید نوروز و ماه محرم امسال ظریفت خیلی بالای مردم ما را به نمایش خواهد گذاشت. کسانی که دل نگرانی های دینی دارند باید توجه داشته باشند که ما هرگز نیروی مذهبی عزادار را از خارج از کشور وارد نمی کردیم همه مردم بودند و ما به هیچ وجه موظف نیستیم مردم را باغیل و زنجیر به بهشت ببریم. چه کسانی که مردم را حذف می کنند و معتقدند که به نمایندگی که خدا برای مردم باید تصمیم بگیرند و چه کسانی که هویت دینی و فرهنگی مردم را نادیده می گیرند باید بدانند که شعور مردم خیلی بالاتر از آن است که آنان تصور می کنند.

آقای ابطحي: از اینکه وقت تان را در اختیار من و روزنامه ام قرار دارید متشکرم در پایان اگر صحبتی دارید بفرمایید.

ما در پایان سال ۸۰ خوشحالم که نتیجه دستگیری های اولیو سال به آزادی آنها ختم شده است. خوشحالم که آقای لقمانیان بعد از آن همه بحران آفرینی برای کشور آزاد شد. خوشحالم از اینکه امروز در سیاست خارجی، دولت باز هم موفق شده که بر خط جنگ طلبی قیام آید اما همواره این سؤال مطرح است که اگر همه این حوادث که به دنبال نتیجه مطلوبی برای طراحان آن نرسیده آیا طراحان این حوادث که این همه به کشور آسیب رسانده اند نباید پاسخگو باشند؟